



گفت‌وگو با فروغ رضایی، نماینده و مسئول گروه جهادی «مطاف عشق»
که به زنان زندانی کمک می‌کنند

رویش مهر در بند بانوان

اگر نگوئیم هر روز، دست کم هفته‌ای چند بار سر و کارشان به «سجن» یا همان زندان می‌افتد. شاید اسمش را میان خودشان این‌طور صدا می‌زنند تا کمی از بار منفی مشکلات آدم‌های ساکن این چهار دیواری کم کنند. هر هفته به صورت مستمر با هم جلسه دارند و با دستی پر از پرونده‌های مددجویانی که روز و شب‌هایشان را داخل زندان سپری می‌کنند، به این جلسات پا می‌گذارند. گروه جهادی «مطاف عشق» در شعبه مشهد متشکل از ۶۲ نفر از بانوانی است که دغدغه‌مند هستند و بدون هیچ‌مواجهی، ذهن، وقت و انرژی‌شان را برای ایجاد انگیزه و امید برای زندانیان، حل مشکلات خانواده‌های آن‌ها و حمایت برای روزهای بعد از رهایی‌شان صرف می‌کنند. این گروه نوپاست. با اینکه هر کدام از اعضای آن سال‌ها سابقه امور مددکاری، فرهنگی و... را داشته‌اند، اکنون ۴ ماهی می‌شود که کنار هم قرار گرفته‌اند تا با تمرکز بر زنان زندانی، اتفاقات بهتری را رقم بزنند. آن‌ها در همین مدت کم توانسته‌اند ۳ زندانی را به آغوش خانواده‌شان بازگردانند، نور امید و ارتباط معنوی با خدا را در دل زندانیان از نو بپورانند و بچه‌هایی را که در حال رشد در بستری نامناسب بوده‌اند نجات بدهند.



سعیده آل ابراهیم

می‌کشیدم. همیشه دوست داشتم درسم را ادامه بدهم. همین شد که به حوزه علمیه خواهران رفتم.»

➤ ۱۶ سال مسیر مشهد-خواف برای تدریس

رضایی درس را ادامه داد و تا مقطع لیسانس در حوزه تحصیل کرد، اما مدرکش را نگرفت زیرا او جزو مبلغانی بود که می‌خواست زودتر به نیاز جامعه درباره این مسائل، تا حدی که برایش امکان دارد، پاسخ بدهد. «حسن نوع دوستی و مسئولیت‌پذیری من را به سمت کارهای خیرخواهانه و عام‌المنفعه کشاند. همیشه می‌خواستم از لحظه‌هایم بهترین استفاده را بکنم. ۱۶ سال برای تدریس و مشاوره مذهبی به منطقه خواف سفر می‌کردم و کارگاه‌های زیادی برای نوجوانان برگزار کردم و اهل تسنن هم در کلاس شرکت داشتند.»

➤ صندوقی برای گره‌گشایی در روزمرگی‌ها

در کودکی آرزو داشت معلم شود، اما حالا مبلغ شده است و این تدریس هم حس خوبی به او می‌دهد. رضایی معتقد است اگر میان مردم احساس مسئولیت وجود داشته باشد، خیلی از مشکلات حل می‌شود. او ۱۶ سال است صندوق قرض الحسنه گره‌گشایی را راه انداخته است.

هم همین‌طور است و هر سالی که به عمرش اضافه می‌شود، بیشتر مشتاق کمک‌رسانی به دیگران است. زمانی که قرار بر این شد که این گروه را در شعبه مشهد فعال کند، تک‌تک اعضا را خودش انتخاب کرد تا مطمئن شود ویژگی‌ها و دغدغه لازم برای این کار را دارند.

➤ خیلی زود مادری را در کنار مادر آغاز کردم

باطمأنینه صحبت می‌کند و درگیری ذهنی‌اش برای مشکلات مردم در صحبت‌های او پیداست. رضایی متولد سال ۴۶ است و در حوزه درس خوانده است. او پنجم ابتدایی درس می‌خواند و به این دلیل که خواهر بزرگش سر خانه و زندگی‌اش رفته بود و مادر دچار ناراحتی قلبی شد، ناچار بود درس را رها کند، در خانه بماند و کمک‌دست مادر در کارهای خانه باشد، اما با پیگیری مدیر مدرسه، توانست در شیفت ظهر و عصر به درس ادامه بدهد. «چهارده‌ساله که بودم ازدواج کردم. به‌ظاهر از درس و مدرسه دور شدم، اما به دلیل علاقه‌ای که داشتم، در خانه پیوسته مطالعه می‌کردم. از طریق تلویزیون خیاطی یاد گرفته بودم و برای اطرافیانم لباس می‌دوختم. گاهی در مراسم مذهبی دعا می‌خواندم، اما از اینکه بگویم مدرکی ندارم خجالت

حرارت آفتاب هنوز از کوچه‌پس‌کوچه‌ها رخت برنسته است و باد گرم با هر قدمی که برمی‌داریم، خودی نشان می‌دهد. در دل محله فلسطین مشهد، خانواده‌ای می‌خواستند در این کار خیر سهیم باشند. به همین دلیل، فضایی را برای برگزاری جلسات و رسیدگی به پرونده‌ها در اختیار آن‌ها می‌گذارند. جلسه‌شان ساده و بی‌آلایش پیش می‌رود زیرا هدف چیز دیگری است و درگیر ظواهر نیستند. هر کدام دفترچه یادداشتی به دست می‌گیرد، و برای هر پرونده، با یکدیگر هم‌فکری می‌کنند مبادا حق کسی ضایع شود یا نیت خوب نیکوکاران در راه درست به کار گرفته نشود.

➤ مشتاق کمک‌رسانی به دیگران

فروغ رضایی نماینده و مسئول گروه جهادی «مطاف عشق» شعبه مشهد است. او علاوه بر این، به عنوان خادم‌یار، پشتیبان زوجین در آستان قدس رضوی و عضو ستاد امر به معروف و نهی از منکر گلپه‌ار نیز فعالیت می‌کند. انگار خیرخواهی برای دیگران از کودکی با وجود اورشده می‌کند، همان زمان که بخشی از هر خوراکی یا میوه‌ای را که به خانه‌شان می‌رسید در پستوی خانه پنهان می‌کرد تا به خانواده‌های بی‌بضاعت محله‌شان بدهد. هنوز



۱۶ سال برای
تدریس و مشاوره
مذهبی به
منطقه خواف
سفر می‌کردم و
کارگاه‌های زیادی
برای نوجوانان
برگزار کردم و
اهل تسنن هم
در کلاس شرکت
داشتند